

علم أصول الفقه

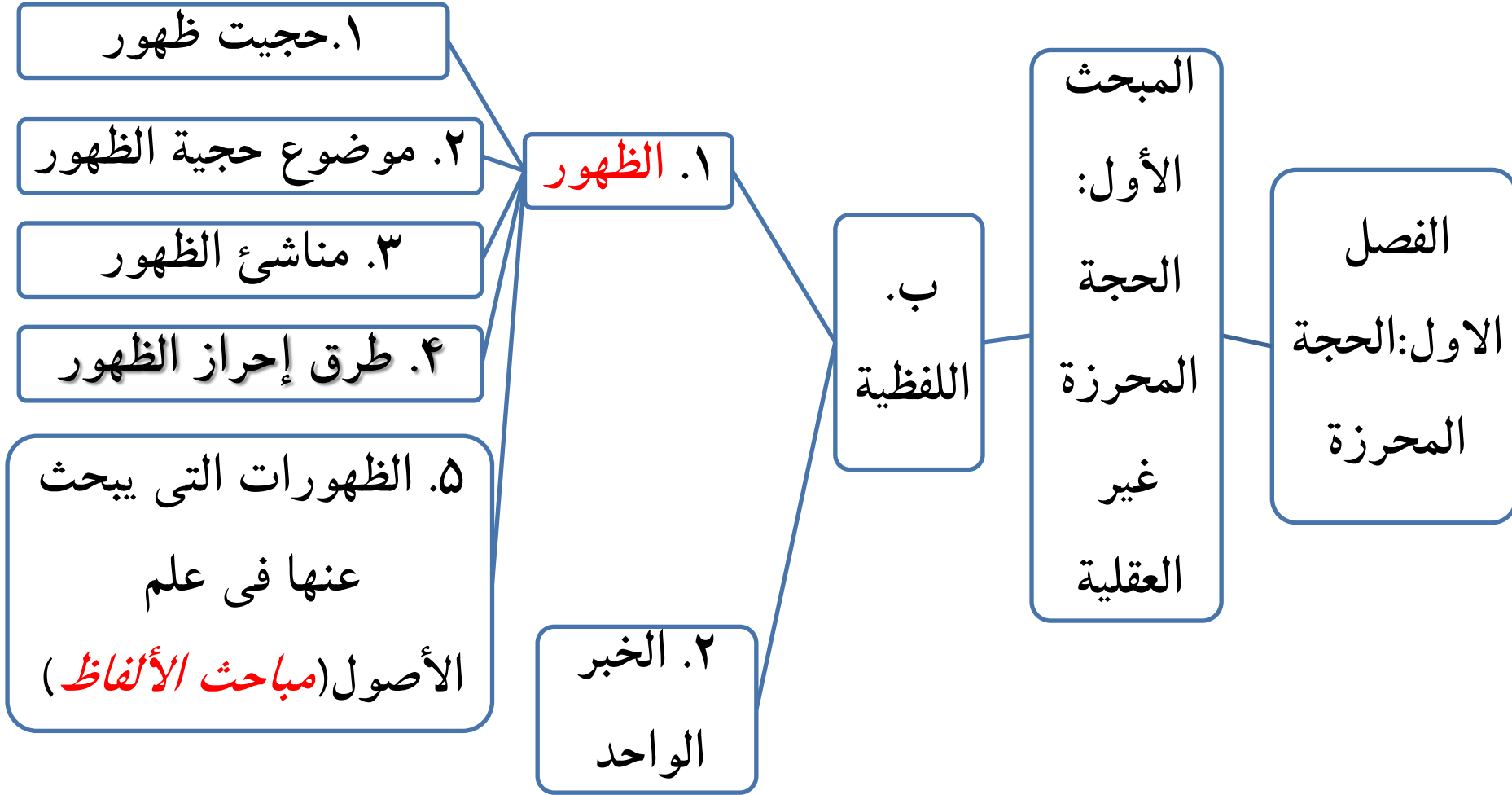
٩٧

مباحث الفاظ ٢-٣-٩٤

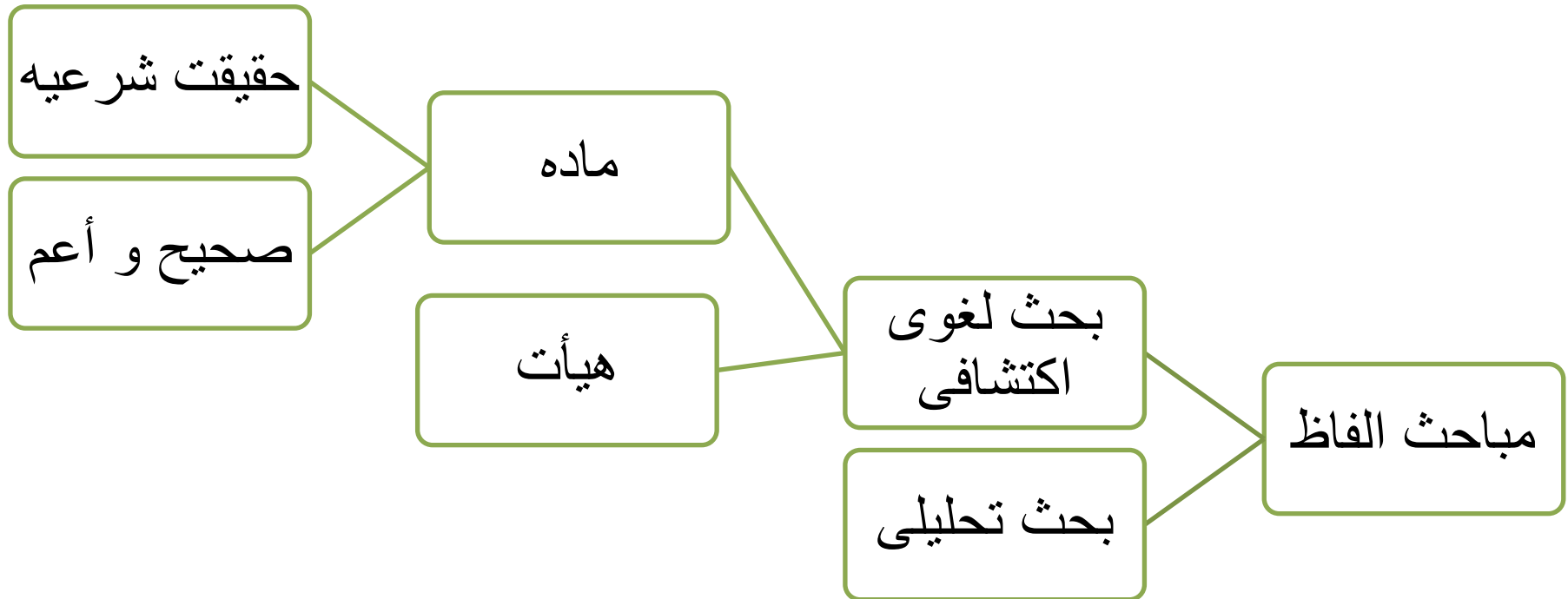
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

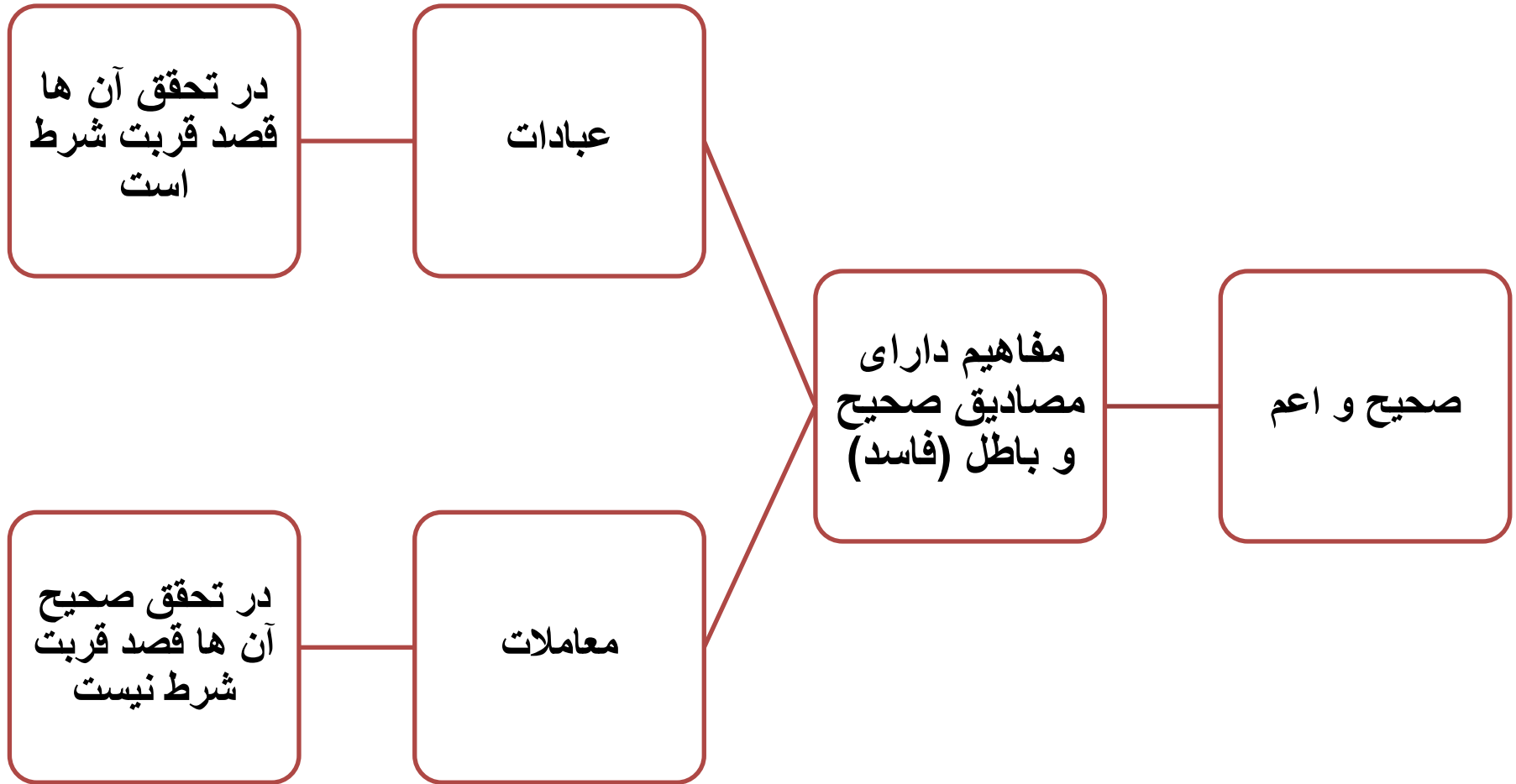
- تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (١٣)
- وَمَنْ يَعُصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ (١٤)



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



صحيح و اعم



صحيح و اعم

- بحث صحيح و اعم در حوزه مفاهيمي مطرح مي شود كه داراي مصاديق صحيح و باطل يا صحيح و فاسد باشند.
- اينگونه مفاهيم به دو گروه تقسيم مي شوند:
- گروهی که در تحقق در تحقق آن ها قصد قربت شرط است و به آن ها عبادات گفته می شود
- و گروهی که در تحقق صحيح آن ها قصد قربت شرط نيست كه از آن ها به معاملات تعبير مي شود.

صحيح و أعم

- به عبارت دیگر در بحث صحيح و اعم دو گونه از الفاظ شرعی مورد نظر است: یک قسم الفاظی که وضع شده‌اند برای معانی ای که نیاز به قصد قربت دارند و در اصطلاحات از آن‌ها به عبادات یاد می‌شود.
- قسم دوم الفاظی که وضع شده‌اند برای معانی ای که نیاز به قصد قربت ندارند. قسمتی از بحث‌هایی که مطرح می‌کنیم در واقع مشترک هستند؛ ولی برای ساده‌تر شدن ما بحث عبادات را از بحث معاملات جدا می‌کنیم.

صحیح و اعم

- بسیاری از اصولی‌ها مثل مرحوم آخوند در طرح این مسأله صرفاً به مسأله عبادات پرداختند و این گونه بحث را مطرح کردند که آیا الفاظ عبادات برای یک صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحیح و فاسد.

صحیح و أعم

- برخی دیگر مثل شهید صدر - رضوان الله عليه - بحث را در دو مقام مطرح کردند: عبادات و معاملات.
- مقصودشان از معاملات معاملات بالمعنی الأخص است؛ یعنی همان چیزهایی که در عرف مردم به آن ها معاملات یا قرار دادها گفته می شود؛ مثل خرید و فروش، اجاره، صلح و

صحیح و اعم

- شهید صدر در مقام بحث از معاملات پرسش را بدین گونه مطرح می‌کند که آیا معاملات برای صحیح وضع شده‌اند یا اعم از صحیح و فاسد؟
- بعد دو احتمال در این صحیح ذکر می‌کند:
- یکی اینکه مراد، صحیح شرعی باشد
- و دوم اینکه مراد، صحیح عقلایی باشد؛
- چون معاملات به این معنای خاص کلمه همه امور عقلایی هستند. بنابراین در آن‌ها صحت و بطلان عقلایی مطرح است.

صحيح و أعم

- شیوه‌ای که ما بحث را مطرح کردیم با شیوة مرحوم آخوند و شهید صدر - رضوان الله علیه - تفاوت داشت دارد.

صحیح و اعم

- گفتیم الفاظ شرعی که دارای مصادیق صحیح و باطل هستند آیا برای صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحیح و فاسد.
- مقصود ما از الفاظ شرعی یعنی الفاظی که دارای معانی شرعی هستند؛ چه آن معانی توسط خود شرع اختراع شده باشد و چه قبل از شریعت وجود داشته است.
- مهم آن است که در شریعت مطرح شده است. در اصطلاحی که ما به کار می‌بریم، هم عبادات و همه معاملات حتی آن‌ها که معامله به معنای اخص نیستند در محل بحث قرار می‌گیرند.

صحیح و اعم

- همچنین گفتیم که این اموری که در شریعت دارای مصادیق صحیح و باطل هستند به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته آن‌هایی هستند که در صحتشان قصد قربت شرط است و به این‌ها عبادات می‌گوییم و دسته دوم آن‌هایی هستند که در صحتشان قصد قربت شرط نیست و به این‌ها معاملات می‌گوییم.

صحيح و أعم

- این اصطلاحات معاملات که در اینجا می‌گوییم وسیع‌تر از آن معاملاتِ بالمعنی الأخص است. به همین دلیل از آن به معاملات بالمعنی الأعم تعبیر می‌کنیم.

صحیح و اعم

- مقصود ما از معاملات در این اصطلاح یعنی همه امور که توصلی هستند.
- بنابراین علاوه بر اینکه معاملات بالمعنی الأخص مثل بیع، اجاره، صلح، قرض و مضاربه را شامل می‌شود، برخی از امور را که در عرف معامله (قرارداد) نیستند مثل **تطهیر از خبث** را نیز در بر می‌گیرد.
- در حقیقت معاملات در اصطلاح ما در مقابل عبادات قرار می‌گیرد و هر عمل غیر عبادی ای را که که دارای افراد صحیح و باطل باشد، در بر می‌گیرد.

صحيح و أعم

- برای اینکه بتوانیم با بحث‌های متعارف اصولی‌ها هماهنگی داشته باشیم، ابتدا بحث را از عبادات شروع می‌کنیم.
- بحث الفاظ عبادات مسأله‌ی شناخته شده‌ای در اصول بوده است؛ اما بحث معاملات را بیشتر در فقه مطرح کردند و در اصول کمتر مطرح شده بود و هر چند متأخرین در ادامه آن را به عنوان یک بحث اصولی در اصول مطرح کردند.

صحیح و اعم

- اولین پرسشی که در این بحث مطرح می شود این است که:
- آیا بحث صحیح و اعم با بحث حقیقت شرعیه ارتباط دارد یا نه؛ یعنی اگر ما در بحث حقیقت شرعیه مبنای خاصی را برگزیدیم، تاثیری در نتیجه بحث صحیح و اعم خواهد داشت یا نه.

صحیح و اعم

- برخی تصور کردند که انتخاب بعضی از مبانی در بحث حقیقت شرعیه موضوع بحث صحیح و اعم را به طور کلی از بین می‌برد، گفته‌اند در بحث صحیح و اعم محل بحث این است که این الفاظ آیا وضع شده‌اند برای صحیح یا برای اعم از صحیح و فاسد یا اعم از صحیح و باطل.

صحيح و اعم

- اگر فرض کنیم که این الفاظ برای معنای شرعی اصلاً وضع نشده‌اند، بلکه مثلاً به نحو مجازی استعمال شده‌اند، دیگر بحث صحيح و اعم معنا نخواهد داشت؛ چون فرض این است که اصلاً این الفاظ دارای موضوع له ای در شریعت نیستند تا بحث کنیم که آیا برای صحيح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحيح و فاسد.

صحيح و اعم

- در مقابل اين دیدگاه بعضی مثل شهید صدر - رضوان الله عليه - سعی کرده اند اثبات کنند که بحث صحيح و اعم مستقل از بحث حقیقت شرعیه است و ما هر مبنایی در بحث حقیقت شرعیه انتخاب کنیم، تاثیری در بحث صحيح و اعم نخواهد داشت.

صحيح و أعم

- شهيد صدر - رضوان الله عليه - برای توضیح این مطلب می گوید ما در بحث حقیقت شرعیه به یکی از سه مبنا می توانیم منتهی شویم:
- یا بگوییم الفاظ در این معانی شرعی توسط شارع حقیقت شده اند؛ یعنی شارع این ها را به وضع تعیینی وضع کرده است.
- یا بگوییم این معانی قبل از شریعت همان معانی عرفی و لغوی این الفاظ بوده اند و این الفاظ به همین شکل قبل از شریعت در این معانی حقیقت شده اند.
- یا بگوییم این الفاظ در لسان شارع به نحو مجازی در معانی شرعی به کار می رفته است.

صحيح و اعم

- بنا بر دیدگاه اول کاملاً آشکار است که بحث صحيح و اعم معنا دارد و می توانیم پرسیم آیا شارع این ها را برای صحيح وضع کرده است یا برای اعم از صحيح و فاسد.
- بر اساس دیدگاه دوم باز هم این بحث جا دارد و می توانیم پرسیم که این الفاظ قبل از شریعت در معنای صحيح حقیقت بودند یا در اعم از صحيح و فاسد.

صحیح و اعم

- اما طبق دیدگاه سوم بحث از صحیح و اعم چگونه معنا خواهد داشت در حالی که فرض ما این است که اصلاً معانی شرعی موضوع له این الفاظ نیستند. چه معنا دارد که بگوییم که آیا برای معنای شرعی صحیح وضع شده است یا برای اعم از صحیح و فاسد؟
- در قبال این پرسش پاسخ‌هایی داده شده است:

صحيح و اعم

• ۱- پاسخ صاحب کفایه - رضوان الله عليه -

• ایشان گفته است اگر بپذیریم که این الفاظ نه توسط شارع برای معانی شرعی وضع شده‌اند و نه قبل از شریعت حقیقت در این معانی بوده‌اند، بلکه شارع صرفاً آن‌ها را به نحو مجازی در معنای شرعی استعمال کرده است، در این صورت سؤال صحیح و اعم این خواهد بود که آیا معانی نزدیک‌تر به معنای حقیقی (اقرب المجازات) معنای صحیح است یا اعم از صحیح و فاسد؛ چون در مجاز می‌دانیم که یک لفظ ممکن است در چند معنای مجازی استعمال شود و ممکن است بعضی از این معانی مجازی به معنای حقیقی نزدیک‌تر باشند. و در صورت شک بر اقرب المجازات حمل می‌کنیم؛

صحيح و أعم

- مثلاً فرض کنید لفظ صلاة قبل از شریعت اصلاً در معنای شرعی وضع نشده باشد و معنای صلاة همان دعا باشد که در لغت معنای صلاة همین است و نیز فرض کنید شارع هم این لفظ را هم برای معنای شرعی وضع نکرد باشد؛ اما شارع این لفظ را در نماز به نحو مجاز استعمال کند.

صحيح و أعم

- سه معنا در اینجا داریم:
- یک معنای حقیقی که عبارت است از دعا،
- یک معنای مجازی که عبارت است از صحيح
- و یک معنای مجازی دیگر که عبارت است از جامع بین صحيح و فاسد.
- حال سؤال این است که این دو معنای مجازی کدام به معنای حقیقی یک نزدیک تر است که اگر بر اصل مجاز قرینه داشته باشیم؛ اما قرینه بر تعیین نداشته باشیم، لفظ را بر أقرب المجازات حمل کنیم.

استعمال
مجازی

تصور لفظ

تصور معنای
موضوع له

تصور لازم بین
بالمعنى الأخص
معنای موضوع له
قرینه صارفه

صحيح و أعم

- بررسی نظریه اقرب المجازات
- توضیحی که قبلاً درباره مجاز دادیم، نظریه اقرب المجازات را تأیید می‌کند. گفتیم وقتی لفظی برای یک معنایی وضع می‌شود و آن معنای موضوع له، معنای لازم بین معنی الاخص داشته باشد، ما ابتدا به دلیل علقه ناشی از وضع از لفظ به آن موضوع له انتقال پیدا می‌کنیم و سپس به دلیل علقه ناشی از لزوم بین بمعنی الأخص از معنای موضوع له به معنای لازم بین بالمعنی الأخص منتقل می‌شویم.

صحيح و أعم

- معانی مجازی خود از لوازم بین بالمعنی الأخص موضوع له هستند. حالا اگر خود آن معنای مجازی یک لازم بین بمعنی الأخص داشته باشد، ما با تصور آن معنای مجازی به معنای لازم بین بالمعنی الأخص آن معنای مجازی منتقل می شویم.

صحيح و أعم

- بنابراین در اینجا ما با دو معنای مجازی مواجه هستیم که یکی لازم معنای موضوع له است و دیگری لازم لازم معنای موضوع له است. در نتیجه از این دو معنای مجازی آن اولی که خودش مستقیماً به معنای حقیقت مرتبط است، أقرب المجازات و این دومی که به واسطه معنای مجازی اول به معنای حقیقی مرتبط است، أبعد المجازات نامیده می شود.

صحيح و أعم

- ممکن است این سلسله معانی مجازی ادامه پیدا کند و به همان تناسب ابعديت و اقربيت معنادار خواهد بود. حال ممکن است در مقام شک در مراد متکلم در فلان استعمال، قرينه صارفه ای داشته باشیم که نشان دهد که متکلم در اینجا لفظ را در معنای حقیقی استعمال نکرده است در همان حال قرينه معینه ای نداشته باشیم که لفظ را در معنای مجازی اول استعمال کرده است یا در معنای مجازی دوم.

صحيح و أعم

- در اینجا می‌گوییم لفظ بر معنای مجازی اقرب حمل می‌شود؛ زیرا هر چه تعداد وسائط در انتقال و دلالت کمتر باشد، ظهور قوی‌تری شکل می‌گیرد. در حقیقت ظهور لفظ در معنای مجازی اقرب، قوی‌تر از ظهور لفظ در معنای مجازی ابعد است.
- پس از نظر تئوریک مشکلی در بیان مرحوم آخوند وجود ندارد.

صحيح و أعم

- چون انتقال از لفظ به معنای حقیقی بدون واسطه است و انتقال از لفظ به معنای مجازی به واسطه معنای حقیقی است. در نتیجه ظهور لفظ در معنای حقیقی از ظهور لفظ در معنای مجازی قوی تر است. به همین دلیل در جایی که قرینه بر تعیین معنای مجازی نباشد یا قرینه‌ای بر استعمال مجازی نباشد یعنی قرینه صارفه نباشد ما لفظ را حمل می‌کنیم بر معنای حقیقی همانی که اصطلاحاً به آن می‌گوییم اصالت الحقیقه،

صحيح و أعم

- اشكال شهيد صدر - رضوان الله عليه - بر كلام مرحوم آخوند
- اشكالى كه شهيد صدر - رضوان الله عليه - بر اصل بحث أقرب المجازات نيست.

صحيح و أعم

- بعضی‌ها در اصل بحث أقرب المجازات با مشکل مواجه هستند و می‌گویند وقتی که ما یک معنای حقیقی داریم و دو یا چند معنای مجازی، اینکه بگوییم یکی از این‌ها أقرب المجازات است، اصلاً یعنی چه؟
- علت اینکه چنین پرسشی برای آن‌ها مطرح است آن است که فرآیند انتقال از لفظ به معنای مجازی را درست تصویر نکردند و گمان می‌کنند که لفظ به تنهایی فقط در معنای حقیقی ظهور دارد و به کمک قرینه در معنای مجازی ظهور پیدا می‌کند.

صحيح و أعم

- پس با این قرینه در این معنای مجازی ظهور دارد و با یک قرینه دیگر در معنای مجازی ظهور دارد. بنابراین همه معانی مجازی در عرض هم هستند.

صحيح و أعم

- همه اشکال این است که این‌ها درک نکردند که ظهور در معنای مجازی تابع قرینه نیست فرق نمی‌کند که سنخ قرینه چه باشد؛ لفظیه باشد یا حالیه. ما می‌گوییم لفظ بدون قرینه بر معنای مجازی دلالت دارد؛ لکن دلالتش بر معنای حقیقی اظهر از دلالتش بر معنای مجازی است.

صحيح و أعم

- سؤال این است که اگر این لفظ به تنهایی هیچ دلالتی ندارد، پس یا این است که قرینه به تنهایی برای آن معنای مجازی وضع شده است یا به ضمیمه لفظ برای آن معنای مجازی وضع شده است یا اینکه هیچ کدامشان برای آن معنا وضع نشده اند. در هیچ یک از این سه صورت نمی توانیم بحث مجاز را تصویر کنیم؛ چون در دو صورت اول در واقع آن معنا، معنای حقیقی قرینه یا معنای حقیقی آن دو باهم می شود.

صحیح و اعم

- پر واضح است که صورت اول باطل است؛ اما صورت دوم یک وضع جدید خواهد بود و ارتباطی به وضع جداگانه این دو ندارد. در صورت سوم هم اصلاً دلالتی پیدا نمی‌شود؛ چون دو چیزی که به تنهایی اصلاً بر یک معنا دلالت ندارند، وقتی کنار هم بیایند هم بر آن معنا دلالت نخواهند داشت؛ مثلاً پنجره بر آب دلالت ندارد. میکروفن هم بر آب دلالت ندارد. پنجره و میکروفن یا پنجره میکروفن هم دلالت بر آب نخواهد داشت.

صحيح و أعم

- شهيد صدر - رضوان الله عليه - می گوید ما می توانیم أقرب المجازات داشته باشیم؛ اما اشکال ایشان این است که آیا معنای صحيح و معنای اعم اصلاً دو معنا در طول هم هستند تا بگوییم که یکی أقرب است و دیگری أبعد.
- می گوید معلوم نیست نسبت نسبت مفهوم دعا که فرض کردیم که معنای حقیقی محض صلاة است با نماز صحيح و نسبت مفهوم دعا با نماز اعم از صحيح و فاسد متفاوت باشد تا بگوییم کدام یک از این دو تا أقرب است. در حقیقت اشکال در تطبیق این نظریه است بر مسألة صحيح و اعم است.

صحيح و أعم

- . و این مشهور است به اصطلاح - و حتی اصولی ها ظاهر کلماتشان این است

صحيح و أعم

-
- ۲- پاسخ مرحوم اصفهانی
- این راه که شهید صدر - رضوان الله علیه - به مرحوم اصفهانی نسبت می دهد، در واقع شیخ انصاری - رضوان الله علیه - در مطارح الأنظار مطرح کرده است.

صحیح و اعم

- مرحوم اصفهانی می گوید بنابر اینکه پذیریم نه حقیقت شرعی داریم و نه حقیقت عرفی، بلکه استعمال الفاظ مجازی است، سؤال در بحث صحیح و اعم این خواهد شد که آیا آن معنای مجازی، معنای صحیح است یا معنای اعم. اگر صحیحی باشیم، معنایش این است که لفظ صلاة معنای حقیقی اش دعا است و معنای مجازیش نماز صحیح است.
- آن گاه سؤال می شود پس لفظ صلاة چگونه بر نماز غیر صحیح اطلاق می شود؛ چون می دانیم به هر حال این الفاظ در مورد باطل هم به کار می روند.

صحيح و أعم

- مرحوم اصفهانی می گوید اینجا صحیحی‌ها خواهند گفت اگر این الفاظ در مورد باطل به کار می‌رود نه از این باب است که در معنای اعم استعمال شده باشند نه، بلکه در همین جایی که در مورد باطل استفاده می‌شوند، همچنان در همان معنای صحیح که معنای مجازی است، استعمال شده اند و آن معنای مجازی صحیح از باب تنزیل فاسد منزله صحیح، تنزیل فاقد صحت منزله واجد صحت، بر فرد غیر صحیح تطبیق شده است.

صحیح و أعم

- بنابراین اگر صلاة در صلاة فاسد به کار می رود، مجاز در کلمه نیست بلکه از باب نوعی تصرف در مفهوم است و از قبیل مجاز عقلی به شمار می آید.

صحيح و أعم

- اگر اعمی‌ها باشیم معنای حقیقی صلاة عبارت است از دعا و معنای مجازی عبارت است از نماز اعم از صحيح و فاسد.
- آنگاه سؤال می‌شود چگونه بر صحيح اطلاق می‌شود؛ چون نماز اعم از صحيح و فاسد بر صحيح هم اطلاق می‌شود.

صحیح و أعم

- مرحوم اصفهانی می‌فرمایند در اینجا اعمی می‌گوید این از باب تعدد دال و مدلول است به این معنا که نماز حتی در جایی که برای نماز صحیح به کار می‌رود در معنای مجازی خودش یعنی از اعم از صحیح و استعمال می‌شود؛ اما با یک لفظ دیگری همین معنای صحیح از آن فهمانده می‌شود.

صحيح و أعم

- بحث‌های الفاظ شیخ - رضوان الله علیه - معمولاً شناخته شده نیست و کمتر در حوزه‌ها به آن توجه می‌شود؛ در حالی که بسیاری از بحث‌هایی که بعد از کفایه مطرح شده است، ملهم از مطالب مرحوم شیخ در مطارح الأنظار است. از جمله همین بحثی که مرحوم اصفهانی در تعلیقه‌اش بر کفایه مطرح کرده است.

صحيح و أعم

- اشكال مرحوم صدر بر سخن اصفهانی - رضوان الله عليه -

صحيح و أعم

- ایشان اشکال می کند که این شیوة تکلم عرفی نیست؛ هر چند به لحاظ عقلی یک چنین شیوه ای متصور است. عرف به صورت عادی و معمول چیزی را که فاقد است به منزلة واجد تنزیل نمی کند.